

تأثیرگذاری الگوی رمزگذاری غیرهژمونیک بر ارتقاء کنش‌پذیری و خلق فضاهای بازنمودی، مورد مطالعاتی: میدان بهارستان در شهر تهران

مریم محمدی^{۱*} - مصطفی بهزادفر^۲

۱. دانشیار گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استاد گروه طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۲ تاریخ اصلاحات: ۹۸/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۶/۱۲ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۹/۳۰

چکیده

نظریه فضای اجتماعی، دیدگاهی تریالکتیکی به فضا است که توأمان فضای محسوس، پنداشته و بازنمودی را در کنار هم قرار می‌دهد. این نظریه در پاسخ به رویکردهای مدرنیستی و سرمایه‌دارانه به فضای شهری قرار می‌گیرد. در واقع چنانچه فضا در ابعاد صرفاً محسوس و پنداشته خود محدود شود، هدف اساسی مورد انتظار از فضا؛ که آن را به محملی برای بروز فضای زیسته و کنش‌پذیری بدل می‌کند، از بین می‌رود. با این توضیح این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی دوگانه‌های فضا/ نافضا و فضای سرمایه‌داری یا مدرن/ اجتماعی و الگوهای رمزگذاری، تأثیرگذاری آن‌ها بر مقوله معناپذیری فضا و کنش‌پذیری را بررسی نماید. نتیجه این بررسی دست‌یابی به مدلی مفهومی و تحلیلی است که براساس آن می‌توان به بررسی فضای شهری از حیث تأثیرگذاری الگوی رمزگذاری بر میزان کنش‌پذیری پرداخت. بنابراین در ادامه از مدل به‌دست آمده در تحلیل میدان بهارستان به‌عنوان نمونه پژوهش بهره برده شده است. روش تحقیق در بررسی نمونه موردی، کیفی بوده و به‌صورت کارشناس محور (به‌منظور بررسی ابعاد محسوس و پنداشته فضا) و مردم‌محور (با هدف بررسی بعد بازنمودی فضا) انجام شده است. در گام اول از تکنیک مشاهده و در گام دوم از تکنیک مصاحبه عمیق (مصاحبه با ۳۶ نفر) استفاده شده است. نتایج هر دو بخش حاکی از محدودیت فضا و الگوی رمزگذاری هژمونیک برای بروز مفهوم عمل و کنش‌پذیری در فضا است. براساس نتایج برای ارتقا کنش‌پذیری در فضا و ایجاد فضای بازنمودی، لازم است عواملی چون کنترل فضایی مثبت متشکل از حق شهروندی و حق مشارکت در کنار معیار تصرف فضایی و عدالت اجتماعی/ فضایی مورد توجه قرار گیرند.

واژگان کلیدی: فضای اجتماعی، فضای بازنمودی، کنش، رمزگذاری فرهنگی.

۱. مقدمه

وجود رابطه بین رمزگذاری فرهنگی (معنادر بودن فضا) و افزایش کنش‌پذیری، به‌عنوان پیش‌فرض در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است. به‌منظور خلق فضای معنادر و تولید فضای اجتماعی، ضرورت نشانه‌گذاری و رمزگذاری غیرهژمونیک و فرهنگی در فضا احساس می‌شود. بنابراین برای بررسی این موضوع، در این نوشتار در ابتدا مفهوم نافضا در مقابل فضا بررسی خواهد شد و از میان ویژگی‌های مورد انتظار از یک فضا، کنش‌پذیری به‌عنوان نتیجه مطلوبیت فضا تبیین و سطوح کنش ارائه می‌شوند. در ادامه رابطه کنش و معنا (رمزگذاری) شرح داده می‌شود و با استناد به آن، فضای سرمایه‌داری و مدرن نقد و راه‌حل برون رفت از این فضا از دیدگاه لوفور ارائه می‌شود. در نهایت این دو فضا در ارتباط با مفهوم کنش، معنا و رویکرد نشانه‌شناسی مقایسه می‌شوند. در ادامه بر مبنای موارد بیان شد، عوامل و ملاحظات مؤثر برای بررسی فضای شهری پیشنهاد شده است. پیشینه پژوهش حاضر قابل بررسی در علوم فلسفه سیاسی و اجتماعی و در چند زمینه کلی است:

- بررسی نظریه و پژوهش در حیطه نظریه کنش و نقش؛
- در حیطه جامعه مدنی و فضای عمومی؛
- و همچنین مقوله حیات جمعی، حیات عمومی و یا کیفیت اجتماع‌پذیری.

در حوزه علوم اجتماعی، مقوله کنش و ارتباط آن با ساختار (اجتماعی، سیاسی) در قالب سه رویکرد کلی اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و تلفیقی مطرح شده است. الگوی مطلوب که رویکرد سوم بوده، با ایده نظریه‌پردازانی چون آنتونی گیدنز (۱۹۷۳)، پیر بوردیو (۱۹۷۹) یورگن هابرماس (۱۹۸۴) بسط یافته است (Tohidfam & Hosseinian, 2009, p. 83). در ارتباط با نقش و کنش‌گری فرد نیز نظریه‌های متعددی چون نظریه ساختاری از دید لیتون (۱۹۶۳)، پارسونز (۱۹۵۱) و دارندورف (۱۹۹۸)، روان‌شناختی و کنش متقابل مطرح شده است (Daliri, 2011, pp. 154-155).

در فلسفه سیاسی نیز، مقوله جامعه مدنی و حوزه عمومی، با دیدگاه نظریه‌پردازانی چون آرنست، هابرماس، سیلابین حبیب، چارلز تیلور مورد توجه قرار گرفته است (Mina-vand, 2008 quoted by Bandar Abad, Moradi Masihi, Kavosh Nia & Aali, 2015, p. 272). درعین حال در رابطه با ارتباط این دیدگاه به فضای عمومی، پژوهش‌های محدودی چون حبیبی (۱۳۷۹) و بندرآباد و همکاران (۱۳۹۴) را می‌توان نام برد که در اولی به بررسی ابعاد جامعه مدنی و ارتباط آن با فضای عمومی پرداخته و در دومی از خلال بررسی مکتب فرانکفورت، مفهوم فضای عمومی را تبیین نموده است.

برخی از اهداف و کیفیت‌هایی که در طراحی شهری در ارتباط با مقوله کنش، قابل طرح هستند، عبارت‌اند از: حیات عمومی، حیات جمعی و اجتماع‌پذیری (Lang,

2002, p. 46; PPS, 2000; Hall, 1982; Forgas, 2000). نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با این کیفیات در پژوهش‌های داخلی عبارت‌اند از: دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶)؛ مقدم، بحرینی و عینی‌فر (۱۳۹۱) و محمدی و آیت‌اللهی (۱۳۹۳). درعین حال نظریه منطبق اجتماعی فضا، توسط هیلیر و هنسن (۱۹۸۴) (که از دید کاتبرت (۲۰۰۵) به‌عنوان یکی از چهار نظریه منفرد طراحی شهری مطرح شده است) نیز در ارتباط با اهمیت مقوله اجتماع‌پذیری است.

بنابراین بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، علی‌رغم آن‌که مقوله کنش و عمل در ادبیات علوم فلسفه سیاسی و اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما در ارتباط با بستر کالبدی عمومی، پژوهش‌های محدودی انجام شده است. لذا این پژوهش بر آن است تا عوامل مؤثر بر ایجاد فضای شهری کنش‌پذیر را واکاوی نموده و در این میان بر تأثیرگذاری الگوی رمزگذاری بر ایجاد چنین بستری تأکید نماید.

۲. ادبیات نظری

با توجه به هدف پژوهش، در اینجا مبانی نظری مرتبط با مفاهیم مدنظر پژوهش بررسی می‌شود. به این منظور در ابتدا ویژگی فضای مثبت از حیث معناسازی، کنش و تولید بررسی می‌شود. در ادامه با تبیین مفهوم کنش از دیدگاه‌های مختلف و بررسی ویژگی‌های فضای مدرن و سرمایه‌داری در برخورد با مقوله کنش، به بررسی نحوه رمزگذاری و تأثیر آن بر بروز کنش پرداخته خواهد شد. ماحصل این بررسی، دست‌یابی به مدلی تحلیلی برای بررسی میزان اجتماعی بودن فضاهای شهری و بروز مفهوم کنش است.

۲-۱- دوگانه فضا/ نافضا

در ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که فضای شهری موفق چگونه فضایی است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقوله فضا به‌عنوان یکی از وجوه هستی‌شناسی در فلسفه، در سیر تحول مفهومی خود از فضای عینی به ذهنی و سپس به فضای عینی-ذهنی تبدیل شده است. طراحی و برنامه‌ریزی فضاها در عصر مدرن با تأکید بر ابعاد عینی، سبب شد تا مفهوم اصیل فضا از دست برود و نافضا و ضدفضا به‌وجود آید. این درحالی‌است که فضاهای سنتی، عرصه‌های مثبت و سرشار از معنی و هویت بودند.

۲-۱-۱- ویژگی‌های مورد انتظار از فضای مثبت-کنش‌پذیری و بروز معنا

به‌طورکلی فضای مثبت عرصه‌ای کالبدی است که با پذیرفتن ارتباط دوسویه انسان-محیط، به‌صورت معنادر تولید شده و انسان را از احساس از خودبیگانگی می‌رهاند و بستری برای کنش‌پذیری است. همان‌گونه که آرنست

انسان که در خلق ساختار جهان و زندگی روزانه‌اش در قلمرو عمومی، خصوصی نقش دارند عبارت‌اند از: زحمت، کار و عمل یا پراکسیس (Ansari, 1997, p. 127). آرنت (۱۹۵۸) معتقد است، زندگی بدون عمل به جهان مردگان تعلق دارد، چراکه انسان با آن زنده است و آنگاه که در عرصه عمومی در حضور دیگران به گفت‌وگو می‌پردازد، خود را می‌شناسد (Arendt, 2016). در مقام مقایسه، عمل برخلاف فعالیت‌های کار و زحمت، نیازمند شرایطی است که از مهم‌ترین عوامل وقوع آن، حضور دیگران، حضور کثرت‌گرا در فضاهای عمومی است. واژه عمل‌کردن در زبان یونانی از آغاز کردن، حکم کردن، به اتمام رساندن و حمل کردن است. عمل‌کننده نیز، آغازگر و خطرپذیر است. عمل می‌تواند در بحران‌های اجتماعی، جامعه را از بن‌بست خارج کند؛ عمل از لذت حاصل می‌شود و نه بر پایه ضرورت یا فایده. عمل در جمع صورت می‌پذیرد و نه در انزوا (Shayan Mehr, 2015, pp. 37-38).

کنش در دیدگاه نظریه‌پردازان نظریه انتقادی-اجتماعی: هابرماس کنش را به دو دسته کلی کنش ابزاری (در ارتباط با عقلانیت ابزاری) و کنش ارتباطی (مرتبط با عقلانیت ارتباطی) تقسیم می‌کند (Pooladi, 2009, pp. 50-51). از دید وی در سرمایه‌داری و مدرنیسم بر عقلانیت ابزاری تکیه شده (Mahdavi & Mobaraki, 2006, p. 2) و ماهیتاً ارتباطات ابزاری و سوژه‌زدایی انجام شده است. در دسته‌بندی دیگر وی چهارسطح برای کنش شامل: کنش غایب‌مند، هنجاری، نمایشی و ارتباطی معرفی می‌کند (Sohrabi & Skafi, 2015, p. 67). از دید هابرماس نیز عمل ماحصل دو سطح کنش است: کار (ابزاری) و تعامل، کنش متقابل (Nowzari, 2002, p. 71). در جدول ۱، سطوح فعالیت آرنت با انواع کنش هابرماس ارائه شده است.

می‌گوید؛ فضای عمومی باید توأمان دو جهان ظهور و مشترک را در بر بگیرد.

جهان ظهور (جهان طبیعی): شامل همه احساسات، هیجانات و رویاهای درونی انسان است که در برابر دیگران ظهور نمی‌یابد و ماهیتی گذرا دارد.

در مقابل جهان مشترک (جهان ارتباطی): در تمایز با محیط طبیعی، دنیای مصنوع انسان‌هاست، چیزی که در یادها می‌ماند (Bandar Abad, Moradi Masihi, Kavosh, Nia, & Aali, 2015, p. 275).

۲-۱-۱-۲- بازشناسی مفهوم کنش

کنش^۱ در فرهنگ لغت انگلیسی کمبریج به معنای انجام کاری برای یک هدف خاص است. بنابراین داشتن هدف خاص در انجام امور، در مفهوم لغوی کنش نهفته است. مفهوم کنش در آراء نظریه‌پردازان مختلف بدین شرح است:

دیدگاه جامعه‌شناختی: خاستگاه نظریه کنش^۲ در جامعه‌شناسی به آراء ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) درباره کنش اجتماعی باز می‌گردد. تالکوت پارسونز (۱۹۷۹-۱۹۰۲) جامعه‌شناس آمریکایی تحت تأثیر آراء وبر قرار داشت و در سال ۱۹۳۷، کتاب معروف خود «ساختار کنش اجتماعی» را منتشر کرد. به عقیده وی، کنش عبارت است از رفتار تحت هدایت و معانی‌ای که کنش‌گران برای اشیاء و افراد در نظر می‌گیرند. از نظر پارسونز مهم‌ترین رده کنش، کنش متقابل است، به مفهوم کنش معطوف به دیگر کنش‌گران (Nowzari, 2002).

مفهوم کنش در دیدگاه پدیدارشناختی: از نظر آرنت، انسان فانی به‌منظور رهایی از فناپذیری، همواره در پی انجام دادن عملی است که احساس آزادی و رهایی را در وی ایجاد نماید (Ansari, 1997). از نظر وی، فعالیت‌های

جدول ۱: ویژگی‌های فعالیت‌های از دید آرنت

انواع فعالیت	هدف	نوع جامعه	حوزه بروز	نوع کنش
زحمت	تأمین ضرورت‌های معیشتی	جامعه مصرفی	قلمرو خصوصی	-
کار	ایجاد ابزار	جامعه فایده محور	اجتماع	کنش ابزاری
عمل	ایجاد رابطه انسانی	جامعه انسان محور	قلمرو عمومی	کنش ارتباطی

۲-۲- فضای مدرن، سرمایه‌داری و تأکید بر کنش ابزاری

براساس نظر لوفور (2009, p. 187) سرمایه‌داری نیز، فضای خاص خود را تحت مدیریت و سلطه بورژوازی تولید می‌کند (Turkameh, 2014). در جامعه سرمایه‌داری با هدف انباشت سرمایه، فضا به‌عنوان کالبدی برای تولید و انباشت سرمایه نگاه می‌شود. نگاه اقتصادی و کالاگونه به فضا و شهر، به تولید فضایی منجر می‌شود که نظمی دور را خلق می‌کند (Madanipour, 2000) و به شیء‌شدگی

انسان منجر می‌شود. بدین ترتیب در چنین فضایی، تأکید بر کار در میان انواع فعالیت‌های آرنت است و بنابراین تنها بر کنش ابزاری تأکید می‌شود. بنابراین فضا براساس دانش و قدرت بوده و ماهیتی انتزاعی دارد. الدن (2007, p. 105) معتقد است: سرمایه‌داری که همواره زندگی کاری را سازماندهی کرده، کنترلش را به‌شدت بر فراز زندگی خصوصی، یعنی بر فراز فراغت هم گسترانده است. به این معنی که زندگی روزمره در فضای سرمایه‌داری کنار گذاشته شده است.

تأثیرگذاری قدرت و اقتصاد بر شکل‌گیری فضای انتزاعی: قدرت را جوهره سیاست دانسته‌اند، که دلالت بر توانایی ایجاد رویداد معین و یا نفوذی دارد که توسط یک انسان یا گروه با هر وسیله و به شیوه‌ای معین، بر رفتار دیگران اعمال می‌شود (Navabakhsh & Karimi, 2013, p. 51). وبر و پارسونز قدرت را به‌عنوان قابلیت اجتماعی بیان می‌کنند که تصمیمات الزام‌آوری را ایجاد نموده و دارای نتایجی درازمدت است (Pishevar, 1997, p. 184). از دید فوکو (۱۹۸۰)، قدرت قبل از همه چیز مولد و ابزاری در مالکیت دولت است که برای تحمیل نظم استفاده می‌شود. قدرت یا متضمن بازدارندگی مشروع یا قانون‌گذار و نظامی سرکوب برای حفظ سلطه طبقاتی است. بنابراین قدرت ذاتاً منفی و محدود کننده است (Navabakhsh & Karimi, 2013, p. 56).

نشانه‌شناسی پوزیتیویستی (رمزگذاری غیرفرهنگی) و نقصان معنا: لوفور معتقد است در شناخت‌شناسی مدرن و سرمایه‌داری جدایی عین و ذهن اتفاق افتاده است. یعنی نگاهی اثبات‌گرایانه وجود داشته و ابعاد اجتماعی در نظر گرفته نشده است (Madanipour, 2000). در نتیجه رمزگذاری غیرفرهنگی و نشانه‌ها، غیرفرهنگی و غیراجتماعی هستند و نقش نشانه کارکردی را دارند.

اقتصاد سیاسی نشانه: در چنین نگرشی به فضای الگوی نشانه‌گذاری، در تبعیت از الگوی اقتصاد سیاسی نشانه شکل می‌گیرد که بودریار به آن می‌پردازد. از دید وی اقتصاد سیاسی، عینیت مبادله نمادین را با انتزاعات ارزش مبادله که در آن پول و اقتصاد بازار، قلمرو تازه‌ای از ارزش را بنا می‌نهند، جایگزین می‌کند. بدین ترتیب ارزش‌های انتزاعی - پول، سرمایه و ارزش مبادله - بر جامعه حاکم می‌شوند (Sojoodi, 2008, p. 93). بودریار در کتاب نظام اشیا (۱۹۶۸)، جامعه مصرفی (۱۹۷۰) و به‌سوی نقد اقتصاد سیاسی نشانه (۱۹۸۱)، بین چهار منطق متفاوت، تفاوت قائل شد. شیء در منطق نخست به ابزار، در منطق دوم به کالا، در منطق سوم به نماد و در منطق چهارم به نشانه تبدیل می‌شود (Sojoodi, 2008, pp. 94-95). با این توضیح از آنجا که در جامعه سرمایه‌داری، منطق‌های حاکم به رده منطق تفاوت نمی‌رسد، ارزش نشانه‌ای به‌وجود نمی‌آید و لذا فضاها مشابه و رمزگذاری غیرفرهنگی است.

۲-۱- برون‌رفت از بحران فضای سرمایه‌داری و یا مدرن: تولد فضای اجتماعی و تأکید بر کنش ارتباطی

نظریه‌پردازان متعددی به نقد فضای سرمایه‌داری و فضای انتزاعی پرداخته‌اند؛ در این میان می‌توان به آراء نظریه‌پردازان نظریه انتقادی چون هابرماس، جغرافی‌دانانی چون هاروی و فیلسوفانی چون لوفور اشاره نمود. در اینجا تأکید بر ایده فضای اجتماعی و نظریه «فضای دارای تفاوت» لوفور است.

فضای اجتماعی: لوفور تأکید دارد فضا ماهیتاً اقتصاد و سیاسی است. وی در رده دیالکتیک‌سین‌ها و انسان‌گرایان مارکسیستی بوده و بر مقوله تولید تکیه داشته است (Afroogh, 1998). وی با پذیرش رابطه دوسویه فضا-زمان، عین-ذهن و نقد فضای سرمایه‌داری، ایده فضای اجتماعی را مطرح کرد. فضای اجتماعی لوفور یک تریالکتیک است که در آن سه لحظه مورد توجه است: فضای محسوس، فضای انتزاعی (فضای پنداشته) و فضای بازنمودی (فضای زیسته) (Afroogh, 1998, p. 159). این فضا بر فضای زیسته تأکید دارد، چراکه با تصاویر و نمادها، مستقیماً در آن زیست می‌شود و بنابراین فضای استفاده‌کنندگان است، فضایی که با ابزارهای غیرکلامی درک می‌شود. در واقع این فضا، مغلوب است (Lefebvre, 1991). بنابراین در این فضا، رمزگذاری فرهنگی است و بر معانی قابل درک برای استفاده‌کنندگان تأکید می‌شود. کنش مطرح در این رویکرد، کنش ارتباطی است. درعین‌حال مفهوم اصیل کنش، یعنی عمل نیز مورد توجه است.

تأکید بر رمزگذاری فرهنگی و بروز معنا: در واقع لوفور به نقل از گندینر و لاگوپولس (۱۹۸۶)^۳ معتقد است که در مقابل نشانه‌شناسی مدرن، نشانه‌شناسی اجتماعی، برای ایجاد فضای دارای تفاوت ضروری است، یعنی نشانه‌ها نمی‌توانند غیراجتماعی و غیرفرهنگی باشند. اما فرهنگ چیست؟ «فرهنگ یک دستگاه پیچیده نشانه‌ای است، یک نظام پیچیده دلالت که از طریق رمزگان‌های درونی شده‌اش، گستره‌های معنایی را می‌آفریند و امکان مبادله معنا را فراهم می‌کند (Sojoodi, 2009, p. 145)». بنابراین هر آنچه خارج از سپهرنشانه‌ای باشد، غیرقابل درک است. بدین ترتیب هر جامعه‌ای در بستر متنی خود، نشانه‌های خاص خود را تولید می‌کند که برای استفاده‌کنندگان، قابل درک و رمزگشا است. در جدول ۲، فضای سرمایه‌داری و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲: مقایسه فضای سرمایه‌داری و اجتماعی از نظر الگوی رمزگذاری و کنش‌پذیری

رابطه عین و ذهن	نوع فضا	نوع فعالیت‌های انسانی	سطح کنش‌پذیری	نوع فضا	الگوی نشانه‌شناسی مورد توجه
جدایی عینیت و ذهنیت	فضای سرمایه‌داری	کار با هدف انباشت سرمایه	کنش ابزاری	فضای مشابه	نشانه‌شناسی مدرن / اقتصاد سیاسی نشانه
تلفیق عینیت و ذهنیت	فضای اجتماعی	عمل یا پراکسیس هدف: تحقق انسان کامل	کنش ارتباطی	فضای دارای تفاوت	نشانه‌شناسی اجتماعی / رمزگذاری فرهنگی

ب) ملاحظه دوم: الگوی نشانه‌گذاری مبتنی بر فرهنگ یا رمزگذاری فرهنگی فضا

از آنجاکه فضای بازمودی، رکن افزوده به فضای سرمایه‌داری و مدرن و راه‌حل برون‌رفت از بحران فضای سرمایه‌داری و اقتصاد سیاسی نشانه است، باید بستر بروز آن را فراهم نمود. بدین‌منظور باید فضا را معنادار طراحی نمود، چراکه انسان‌ها از طریق معنی خود را باز می‌یابند و فضای زیسته و جهان زیسته خود را باز خلق می‌کنند، بنابراین باید متن تولیدی، فرهنگی باشد تا مفهوم کنش ارتباطی و عمل اتفاق بیفتد.

- شناسایی عوامل مؤثر در تولید فضا و روش سنجش آن‌ها: با این توضیحات در فضای مورد نظر باید موارد زیر را شناسایی نمود و به تحلیل روابط میان لایه‌ها پرداخت (شکل ۱). با توجه به لایه‌های فضای اجتماعی، برای بررسی فضای زیسته باید به مردم رجوع نمود و برای بررسی فضای پنداشته آراء طراح و سیاست‌مداران را مورد توجه قرار داد.
- شناسایی نشانه‌ها در فضا و معانی‌ای که فضا انتقال می‌دهد (بررسی تجربه زیسته استفاده‌کنندگان).
- بررسی انواع فعالیت‌هایی مطرح شده آرت در فضا و سطوح مختلف کنش.

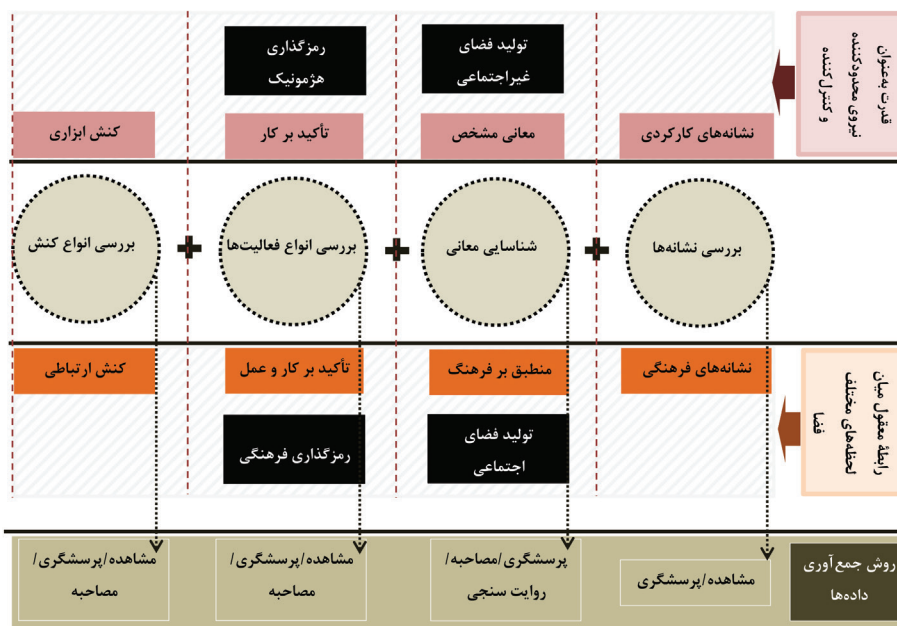
۲-۳- تدوین مدل پژوهش: تبیین عوامل مؤثر بر میزان کنش‌پذیری فضای شهری با تأکید بر راهبرد رمزگذاری فرهنگی

به‌منظور تدوین این چارچوب، با توجه به سه لایه فضای اجتماعی ضروری است ملاحظات زیر مورد توجه قرار گیرند.

الف) ملاحظه اول: تأثیرگذاری گفتمان قدرت در خلق فضا، نباید به‌عنوان نیروی حذف‌کننده فضای زیسته باشد.

هنگامی که قدرت نقش کلیدی در خلق فضا ایفا کند، رمزگذاری هژمونیک در فضا اتفاق می‌افتد. قدرت که به‌مثابه نیروی محدود و کنترل‌کننده عمل می‌کند، می‌تواند کنش را تا حد کنش ابزاری کاهش می‌دهد. در هر حال قدرت یکی از لحظات فضای اجتماعی بوده و عنصری تأثیرگذار در خلق فضا است، اما دور شدن قدرت از الگوهای کثرت‌گرایی و مدنی و گرایش آن به الگوی مبتنی بر اقتصاد سبب می‌شود، کنش ابزاری و نه ارتباطی محقق شود و عمل به بروز نرسد.

شکل ۱: مدل تحلیلی بررسی فضای شهری و شناسایی اجتماعی یا غیراجتماعی بودن فضا



۳. معرفی مورد مطالعاتی

با توجه به هدف پژوهش، میدان بهارستان تهران، نمونه‌ای مناسبی جهت تحلیل است. در واقع قرارگیری مجلس به‌عنوان خانه دولت و سبقه تاریخی میدان، نشان می‌دهد این میدان، فضایی سیاسی است. به‌نظر می‌رسد با توجه به این نقش، رمزگذاری در این فضا بیشتر هژمونیک بوده و تحت تأثیر گفتمان قدرت باشد. بنابراین این میدان

می‌تواند بستر مناسبی برای بررسی منطبق با چارچوب مفهومی تدوین شده باشد. در واقع بررسی فضای این میدان آشکار خواهد کرد که تأثیر قدرت، الگوی نشانه‌گذاری و رمزگذاری هژمونیک، چه تأثیری بر رفتار و عمل استفاده‌کنندگان فضا دارد و چه مصادیقی از نظر استفاده‌کنندگان، دلالت بر این امر دارد. میدان منتخب، از جنوب به محله سرچشمه (و پس از آن چهارراه سیروس و میدان شوش)، از شمال به محله فخرآباد (و سپس پل

فعالیت‌های انجام شده در میدان/ و تأثیرگذاری گفتمان قدرت بر شکل‌گیری میدان) بررسی شد. به‌منظور اعتبار نتایج به‌دست آمده (در رابطه با برخی از ابعاد)، مشاهده در طول روز (صبح، ظهر و عصر با هدف تحقق مثلث‌سازی داده‌ها با تکیه بر عامل زمان) انجام شد.

در بررسی فضای بازنمودی، از رویکرد مردم‌محور و تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. به‌طور کلی مصاحبه، تکنیکی برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق تعامل مستقیم کلامی میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده است. از میان کاربردهای سه‌گانه مصاحبه، در اینجا مصاحبه به‌عنوان مکمل نتایج پژوهش استفاده شده است (Karimi & Nasr, 2013, pp. 73-74). از آنجاکه هدف این بخش، بررسی لحظه سوم فضا است، از رویکرد آمیک در پژوهش کیفی به معنی درک، تفسیر و بازنمایی فضا، «از نقطه نظرات افراد درگیر» بهره برده شد (Salehi, Bazargan, Sadeghi, & Shokouhi, 2015, p. 25). الگوی مصاحبه منتخب از میان انواع دسته‌بندی‌های مختلف مصاحبه (شامل: مصاحبه ساختاری/ نیمه‌ساختاری/ مصاحبه غیررسمی/ تکنیک اطلاعات کلیدی/ مصاحبه‌های گذشته‌نگر) (Delavar, 2010, pp. 323-324; Karimi & Nasr, 2013, pp. 73-74)، مصاحبه نیمه‌ساختاری است (جدول ۳).

چوبی)، از غرب به باغ سپهسالار و از شرق به خیابان شهیدا (ژاله) محدود است. اهمیت این میدان به‌دلیل وجود مجلس شورای اسلامی است. ضلع شمال‌غربی این میدان، بورس فروش ادوات موسیقی در تهران است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در شمال‌غربی این میدان قرار دارد. این میدان یکی از گره‌گاه‌هایی است که در خلال انقلاب مشروطیت شکل گرفت و طی دو دهه همچنان مکانی حساسی به‌شمار می‌رفت. این میدان از محل‌های عمده گردهمایی و تجمع گروه‌های تظاهرکننده و قوای دولتی بوده است.

۴. روش و متدولوژی پژوهش

با توجه به ماهیت مسئله پژوهش (ابعاد فضای اجتماعی)، روش تحقیق کیفی است. از میان سه روش متداول در پژوهش کیفی: مشاهده، مصاحبه و تحلیل اسنادی (Dela-var, 2010, p. 308)، از دو روش مشاهده و مصاحبه، توأمان استفاده شده است. به‌منظور سنجش دو لحظه اول فضای اجتماعی (فضای محسوس و پنداشته)، از رویکرد کارشناس‌محور و روش مشاهده‌گر صرف^۴، استفاده شده و مبتنی بر چارچوب مفهومی و تحلیل کیفی، وضعیت میدان در ابعاد چندگانه (نشانه‌ها/ کاربری‌ها/ دسترسی‌ها/

جدول ۳: ابعاد مورد تأکید در انجام روش مصاحبه در میدان بهارستان

ردیف	اجزای مصاحبه	توضیحات
۱	جامعه آماری و حجم نمونه	گروه هدف، استفاده‌کنندگان (و نه شاغلان) فضا هستند. با توجه به روش اشباع، به‌عنوان استاندارد طلایی (Ranjbar, Haghdoost, alsali, Khoshdel, Soleimani, 2012, p. 238 & Bahrami)، دیدگاه ۳۶ استفاده‌کننده فضا مورد پرسش‌گری قرار گرفت.
۲	نوع سؤالات مطرح در مصاحبه‌ها (Delavar, 2010, p. 324)	- سؤالات در مورد تجربه یا رفتار: عوامل مؤثر بر حضور و عدم حضور در فضا؛ - سؤالات اطلاعاتی مانند: نوع فعالیت‌ها، جنسیت، شغل، تحصیلات و نوع حضور.
۳	اعتبارسنجی مصاحبه	به‌منظور اعتبار پژوهش از مثلث‌سازی داده‌ها (مکان و زمان) استفاده شده؛ به این معنی که مصاحبه‌ها در روزهای ابتدایی هفته، روزهای انتهایی هفته و در صبح، ظهر و عصر تکمیل شد. در عین حال پرسش‌نامه‌ها در میدان، در اطراف میدان و در فضاهای بسته پاساژها نیز انجام شد.
۴	روش تحلیل مصاحبه‌ها	تحلیل داده‌های مصاحبه با توجه به نوع مصاحبه، از میان سه نوع تحلیل کمی، ساختاری و تفسیری (Karimi & Nasr, 2013, p. 71)، تفسیری خواهد بود. استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه به بازسازی معنایی ادراک استفاده‌کنندگان کمک می‌نماید (Salehi, Bazargan, Sadeghi, & Shokouhi Yekta, 2015, p. 19). در این نوع تحلیل دو رویکرد کلی زیر در کدگذاری داده‌ها جهت سازماندهی اطلاعات و تقلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد و منطبق بر رویکرد زیر (در مقابل رویکرد مبنایی) است: - محقق با مرور ادبیات موجود درباره موضوع پژوهش، ایده‌هایی را درباره چه موضوعات و مفاهیمی باید برای کدگذاری انتخاب شود، به‌دست آورده و نظریه‌ای را از قبل در ذهن خود دارد. براساس آن‌ها کدها را تعریف کرده، سپس مفاهیم جدیدی متناسب با آن‌ها از داده‌های مصاحبه استخراج می‌کند (Karimi & Nasr, 2013, p. 80).

۵. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به دو شیوه انجام پذیرفته است. در بررسی ابعاد محسوس و پنداشته، با رویکرد متخصص محور و انجام مشاهده و برداشت میدانی، میزان هژمونیک بودن یا سلطه فضایی بررسی شده است. در بخش بعد برای سنجش تجربه زیسته در ابعاد فضای بازمندی، مصاحبه‌ها به روش کیفی تحلیل و نتایج ارائه شده است. در ادامه نتایج این بررسی به تفصیل ارائه می‌شود.

۵-۱- تحلیل ابعاد فضای محسوس و پنداشته در میدان، مبتنی بر رویکرد کارشناس محور

- بررسی عناصر نشانه‌ای در میدان: معنی بر بسترهای مادی و غیرمادی (Lynch, 2002; Lang, 2002) بروز می‌نماید. لذا به منظور شناسایی نشانه‌ها، باید توأمان ابعاد کالبدی و محتوایی را در نظر گرفت. عناصر نشانه‌ای در این فضا، ساختمان‌های شاخصی هستند که در اطراف میدان وجود دارند و شاخص‌ترین آن‌ها عناصر تاریخی‌ای مانند: مسجد مدرسه عالی مطهری، کاخ گلستان، باغ نگارستان، عمارت مسعودیه، مجلس شورای اسلامی و عمارت بهارستان هستند. مجسمه میانی میدان و عنصر نمادین توپ جنگی هم، نشانه‌های فرهنگی هستند. سایر ساختمان‌های اداری نیز از جمله نشانه‌های محیط هستند. درحالی‌که عناصر نشانه‌ای واجد هویت تاریخی در میدان وجود دارند؛ اما سایر عناصر کالبدی مانند: جداره‌های میدان، کف‌سازی و عناصر منظر خرد، فقط نشانه‌های کارکردی هستند که سایر نشانه‌های فرهنگی در میدان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (هرچند نمونه‌هایی از جداره‌های ساماندهی شده در خیابان‌های منتهی به میدان وجود دارد). به نظر می‌رسد، در روند مدیریت و طراحی فضای میدان، توجه کمی به رمزگذاری و نشانه‌گذاری فرهنگی شده است.

- بررسی دسترسی به میدان: فارغ از عوامل نشانه‌ای و معنی‌ساز در میدان، آنچه به نظر می‌رسد تحت تأثیر گفتمان قدرت بر طراحی فضا تأثیر داشته، دسترسی به میدان است. علی‌رغم این‌که، این میدان باید فضای روبارویی مردم و دولت باشد، اما الگوی طراحی دسترسی‌ها به میدان به‌گونه‌ای است که این فضا بستری برای تردد سواره بوده و اولویتی برای تردد عابرپیاده وجود ندارد. همچنین پیاده‌روهای مختص عابرپیاده بسیار نامناسب هستند. طراحی فضای میانی میدان نیز که با کاشت درخت و سبزه همراه است، به دلیل نبود دسترسی امن به فضای

میانه، بستری برای حضور نیست به نظر می‌رسد محدودیت تردد سواره و دادن اولویت به عابر پیاده، اولین راه‌حل برای مناسب‌سازی فضا است^۵. علی‌رغم تمامی مسائل، در مواردی نمودهایی از عمل در فضا چون حضورهای اعتراضی وجود دارد. با این وجود، دسترسی به میدان به‌واسطه حمل‌ونقل عمومی در وضعیت مطلوبی است. اما استقرار ایستگاه‌های تاکسی و پارک اتوبوس، چهره میدان را خدشه‌دار کرده است. وجود ایستگاه‌های تاکسی در خیابان مصطفی خمینی، خیابان ابن‌سینا؛ ایستگاه مترو در این خیابان و ایستگاه و پارکینگ اتوبوس در شمال میدان، میزان دسترسی به حمل‌ونقل عمومی را نشان می‌دهد.

- بررسی کاربری‌های و فعالیت‌های اطراف میدان: به‌صورت کلی انواع کاربری‌ها میدان مشتمل بر کاربری اداری، تجاری، مذهبی، فرهنگی و تفریحی-گردشگری هستند. علی‌رغم آن‌که عناصر تاریخی، فرهنگی و مجلس می‌تواند بستر بسیار مطلوبی برای بروز انواع فعالیت‌ها و کنش‌پذیری باشند، اما نوع کاربری‌ها و نشانه‌گذاری‌های کارکردی، بیشتر زمینه حضور اجباری را محقق می‌کند. وجود کاربری‌های متضاد با هویت فضا مانند: وجود راسته کاربری‌های تجاری و خدماتی در حاشیه غربی خیابان مصطفی خمینی و غیره، مانع بروز کنش مطلوب در میدان هستند و بنابراین نوع فعالیتی که در فضا اتفاق می‌افتد، مرتبط با کار است و نه عمل. همچنین وجود کاربری‌های اداری اطراف میدان، بستر حضور موقت و اجباری را فراهم می‌کند. با این حال در کنار فعالیت‌هایی مستقر در میدان و حوزه بلافصل آن، می‌توان به راسته‌های فروش ادوات موسیقی، در شمال حوزه بلافصل میدان، فروش ظروف مسی و وجود عتیقه فروشی‌ها اشاره نمود که مشخصه خاصی به میدان داده‌اند. همچنین وجود کاربری‌های مذهبی، تفریحی در میدان و در حوزه بلافصل آن، زمینه فعالیت اجتماعی و کنش مطلوب را فراهم می‌آورد. کاربری‌هایی چون عمارت مسعودیه، کاخ گلستان، باغ نگارستان، مسجد مدرسه عالی مطهری، و پهنه‌های سبز موجود در برخی از این کاربری‌ها، بستری مطلوب را جهت حضور اختیاری و اجتماعی فراهم می‌کند، اما تأثیر چندانی بر بروز کنش ارتباطی در فضا ندارد. در این میان ساختمان مجلس می‌تواند فضایی برای بروز کنش ارتباطی فراهم آورد، لیکن به نظر می‌رسد، علی‌رغم وجود چنین بستری، شرایط سیاسی به‌گونه‌ای است که فعالیت‌ها و ارتباطات کنترل شده بوده و از بروز کنش ارتباطی جلوگیری می‌شود (جدول ۴).

جدول ۴: مقایسه عوامل سازنده فضا و تأثیرگذاری آن بر نوع کنش

عوامل فضایی	تأثیرگذاری بر نوع فعالیت	تأثیرگذاری بر نوع کنش در فضا	الگوی رمزگذاری در فضا
عناصر نشانه‌ای میدان	اجباری/اجتماعی	غالباً منجر به کنش ابزاری	غالباً هژمونیک و غیرفرهنگی
دسترسی	اجباری-فعالیت عبوری	کنش ابزاری	کارکردی
کاربری و فعالیت	اجباری و اجتماعی	غالباً منجر به کنش ابزاری	غالباً هژمونیک-کارکردی و غیرفرهنگی

۵-۲- تحلیل ابعاد فضای بازنمودی مبتنی بر رویکرد مردم‌محور

برای تأیید و اعتباردهی به نتایج پژوهش و جلوگیری از رویکرد صرفاً تأویلی، از مصاحبه استفاده شده است. ویژگی کلی مصاحبه‌شوندگان به این شرح است. ۷۲ درصد از مشارکت‌کنندگان، مرد بوده‌اند. بیش از نیمی از مشارکت‌کنندگان (۵۵.۵ درصد) در رده سنی ۳۵-۵۰ سال قرار داشته‌اند. ۶۶ درصد از پاسخ‌دهندگان در مشاغل آزاد مشغول به فعالیت بوده و بیشترین فراوانی در تحصیلات به رده لیسانس (۳۶ درصد) اختصاص داشته است. به‌طور کلی کمی بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۵۵.۵ درصد)، تحصیلات بالای لیسانس دارند. همچنین بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان از فضای میدان عبور و جابه‌جایی استفاده می‌کرده‌اند و ۴۴ درصد از مشارکت‌کنندگان برای کار اداری و یا خرید در میدان حضور داشته‌اند.

الگوی تحلیل مصاحبه‌ها: از خلال بازنویسی مصاحبه‌ها و کدگذاری مفاهیم با توجه به مبنای نظری، مقوله‌ها در ارتباط با ابعاد فضا شناسایی شدند. با توجه به نوع

پرسش‌هایی که از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد و اجزای فضای اجتماعی، مصادیق در رده‌های مرتبط با هر لحظه از فضا گنجانده شد. در عین حال به‌منظور بازچک مجدد، مصاحبه‌ها مبتنی بر زمینه‌های کلی پژوهش با توجه به مسئله پژوهش یعنی بررسی: نشانه و معنی، فعالیت و کنش مجدداً کدگذاری شد. در ادامه تفسیر نگارندگان در قالب نوع کنش و الگوی رمزگذاری به نتایج اضافه شد. **یافته‌ها:** در بررسی عوامل تأثیرگذار در ایجاد فضای زیسته، مقوله معنی و نوع فعالیت‌های انجام شده در میدان تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد که به دلیل نوع رمزگذاری هژمونیک در فضا، فعالیت استفاده‌کنندگان در محیط محدود و کنترل شده و فضای زیسته محقق نمی‌شود. همان‌طور که نتایج جدول مؤید آن است، نشانه‌هایی که بیشتر توسط کاربران ذکر شده‌اند و در هویت میدان مؤثر هستند، متأثر از الگوی رمزگذاری هژمونیک هستند. همچنین اولویت فعالیت‌هایی که در فضا به منصف ظهور می‌رسند، نیز فعالیت اجباری و نه اجتماعی هستند. به‌عبارتی کاربران تأثیر چندانی در معنادگی به فضا و انجام کنش در فضا ندارند.

جدول ۵: دسته‌بندی مصادیق شناسایی شده در ابعاد فضای زیسته در میدان

عامل	مصدق	دفعات تکرار	درصد	اولویت	الگوی رمزگذاری
نشانه‌های موجود در فضا	جدارهای نامناسب	۱۶	۴۴٪	اولویت پایین	غیرفرهنگی و کارکردی
	وجود مجسمه آیت‌الله مدرس	۲۴	۶۶٪	۲	هژمونیک و کارکردی مبتنی بر بافتار سیاسی- فعالیتی محدوده و در ارتباط با رمزگان ارجاعی است.
	عنصر نمادین توپ جنگی	۱۹	۵۳٪	اولویت پایین	
	ساختمان مجلس	۲۶	۷۲٪	۱	غیرفرهنگی و در عین حال هژمونیک است.
	وزارت ارشاد	۱۴	۳۹٪	اولویت پایین	هژمونیک
	بناهای تاریخی در محدوده	۲۱	۵۸٪	۳	فرهنگی
	عامل	مصدق	دفعات تکرار	درصد	اولویت
انواع فعالیت اعتراضی	حضور اجباری برای انجام کار اداری	۱۵	۴۱.۵٪	۳	ابزاری
	حضور برای خرید	۱۸	۵۰٪	۲	ابزاری
	حضور برای تفریح و بازدید	۹	۲۵٪	اولویت پایین	بستری برای بروز کنش ارتباطی
	حضور برای حرکت‌های اعتراضی	۹	۲۵٪	اولویت پایین	ارتباطی
	حضور برای گذران اوقات فراغت	۱۱	۳۰.۵٪	اولویت پایین	بستری برای بروز کنش ارتباطی
	عبور از میدان	۲۶	۷۲٪	۱	ابزاری

در ادامه پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با عوامل مؤثر بر افزایش و کاهش حضور و فعالیت در فضای میدان بازخوانی شد. نتایج تحلیل تفسیری در این بخش با توجه

به لحظه اول و دوم فضای اجتماعی به تفکیک ارائه شده است. این نتایج نشان می‌دهد، چه عواملی بر کاهش یا افزایش کنش در فضا تأثیر دارند.

معنا، پاسخ‌دهی فضایی، دسترسی فضایی، تصرف فضایی، مشمولیت و عدالت فضایی شناسایی شدند. به صورت کلی در حال حاضر فضا فاقد بسیاری از این مفاهیم کلیدی است. همان‌طور که تکرار مصادیق نشان می‌دهد، عدم خدمات‌دهی، عدم تصرف فضایی و عدم دسترسی/ دسترسی فضایی در اولویت‌های بالاتر و عدم مشمولیت و عدالت اجتماعی و عدم پاسخ‌دهی در اولویت‌های بعدی و گسست معنا در اولویت آخر قرار دارند (جدول ۶).

با توجه به این‌که فضای پنداشته، حاصل نقش طراح و برنامه‌ریز از یک‌سو و گفتمان قدرت از سوی دیگر است، پاسخ‌ها در ابعاد مؤلفه‌های سازنده فضای شهری و این دو بعد دسته‌بندی شده و دفعات تکرار هر مصداق نیز ذکر شده است. در ادامه، مقوله‌های مرتبط با هر مصداق را با توجه به ادبیات نظری فضای اجتماعی و مفهوم کنش، مفهوم‌سازی شده‌اند. برای مثال در ارتباط با بعد تأثیرپذیر از برنامه‌ریزی، مقوله‌هایی مانند خدمات‌دهی، پیوست

جدول ۶: شناسایی مقوله‌ها در ابعاد پنداشته فضا

نوع فضا	مؤلفه	مصداق	دفعات تکرار	درصد	عامل	مقوله‌ها
فضای پنداشته (نقش طراح و برنامه‌ریز شهری)	کاربری	وجود مراکز خرید تخصصی	۲۶	۷۲٪	خدمات‌دهی	- مقوله‌های بعد کالبد:
		عدم وجود امکانات رفاهی	۲۱	۵۸٪	عدم خدمات‌دهی	خدمات‌دهی فضایی/ پاسخ‌دهندگی فضایی/ دسترسی فضایی/ تصرف فضایی
	تاریخ	عدم توجه به تاریخ میدان	۹	۲۵٪	گسست معنا/ عدم احساس تعلق	عدالت فضایی
فضای پنداشته (گفتمان قدرت)	زیست‌بوم	کمبود فضای سبز	۲۷	۷۵٪	عدم خدمات‌دهی	- مقوله‌های بعد محتوا: پیوست معنا/ مشمولیت فضایی/ تعلق فضایی/ عدالت اجتماعی
	عملکرد	کمبود مبلمان	۲۳	۶۴٪	عدم پاسخ‌دهی فضا	
	کالبد	طراحی نامناسب فضا	۱۶	۴۴.۵٪	عدم پاسخ‌دهی فضا	
	دسترسی	نبود فضایی برای توقف	۲۲	۶۱٪	عدم تصرف فضایی	
		نامناسب بودن مسیرهای پیاده	۱۷	۴۷٪	عدم پاسخ‌دهی فضا/ عدم دسترسی فضا	
		تردد بسیار اتومبیل	۲۲	۶۱٪	عدم دسترسی	
		تردد بسیار موتورسیکلت‌ها	۲۶	۷۲٪	عدم دسترسی	
		دسترسی به میدان با سایر وسایل حمل‌ونقل عمومی	۲۱	۵۸٪	دسترسی کالبدی	
		دسترسی به میدان با مترو	۲۸	۷۷.۷٪	دسترسی کالبدی	
	اجتماع	فضای نامطلوب برای زنان	۲۱	۵۸٪	عدم مشمولیت فضایی/ عدم عدالت اجتماعی	
اجتماع	عدم استفاده از فضای میانی میدان	۲۶	۷۲٪	عدم تصرف فضایی		
فضای پنداشته (گفتمان قدرت)	عملکردی	حصارکشی جلوی مجلس	۱۵	۴۱.۵٪	عدم تصرف فضایی	- مقوله‌های کنترل فضایی منفی: تصرف فضایی هژمونیک/ عدم مشارکت فضایی/ محدودیت رفتاری و بیانی/ بی‌توجهی به حقوق شهروندی
	اجتماع	عدم استفاده از فضای سبز جلوی مجلس	۱۲	۳۳٪	عدم تصرف فضایی	
		کنترل به‌واسطه حضور نیروهای انتظامی و پلیس	۲۳	۶۴٪	کنترل فضایی/ امنیت/ نظم	
		وجود دکه پلیس	۲۴	۶۶٪	کنترل فضایی/ امنیت/ نظم	
		حضور پلیس نامحسوس	۷	۱۹.۵٪	کنترل فضایی	
		ایجاد احساس ترس و فضای امنیتی	۱۲	۳۳٪	کنترل فضایی	
		وجود دوربین‌های امنیتی	۱۸	۵۰٪	کنترل فضایی	
	سیاسی بودن فضا	۱۹	۵۳٪	کنترل فضایی		

امنیتی و محدودیت‌کننده را ایجاد کرده است. از آنجاکه فضای محسوس بر ساخته فضای پنداشته است، لذا بر ابعاد فضای محسوس در میدان تأثیر دارد. نتایج بررسی‌ها در این بعد از فضا حاکی از تأثیرگذاری مؤلفه‌های دسترسی، کالبدی و احساسی بر میزان حضور هستند. به‌طور کلی بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان فضا را ناامن، نایمن، فاقد معنا و شلوغ احساس می‌کنند. مقوله‌های شناسایی شده در این بعد عبارت‌اند از: ایمنی، تعلق فضایی، امنیت و آرامش (جدول ۷).

جدول ۷: شناسایی مقوله‌ها در ابعاد محسوس فضا

نوع فضا	مؤلفه	رمز	دفعات تکرار	درصد	عامل	مقوله‌ها
فضای محسوس	دسترسی	عدم ایمنی عابر پیاده	۲۵	۶۹.۵٪	عدم ایمنی	ایمنی
	کالبدی	هویت‌مندی	۲۵	۶۹.۵٪	گسست معنایی/عدم احساس تعلق	تعلق فضایی
	احساسی	سروصدای زیاد	۲۳	۶۴٪	شلوغی	آرامش/ احساس امنیت
		احساس ناامنی در محیط	۲۶	۷۲٪	عدم امنیت	

فضای پنداشته و فضای محسوس شناسایی شدند. بنابراین از یک‌سو عواملی چون عدم امنیت، عدم ایمنی، عدم تعلق و ناآرامی، در ابعاد فضای محسوس بر این امر تأثیر دارند. از سوی دیگر عواملی که منجر به کنترل فضایی منفی می‌شوند، ضمن محدودیت در رفتار و بیان، محدودیت در مشارکت را ایجاد کرده و حقوق شهروندی را نیز زیر سؤال می‌برند. در عین حال عوامل کالبدی و محتوایی تأثیرپذیر از الگوی طراحی و برنامه‌ریزی شهری بر ایجاد محدودیت در تصرف فضایی، مشمولیت، عدالت فضایی/ اجتماعی، خدمات‌دهی، عدم تعلق، دسترسی و غیره تأثیر دارند. توجه به نتایج گام دوم، عوامل مؤثر بر ایجاد فضای زیسته و کنش‌پذیری شناسایی شد. همان‌طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، عناصر اصلی با رنگ تیره‌تر نمایش داده شده‌اند، برای نمونه در ارتباط با گفتمان قدرت، عامل اصلی کنترل فضایی مثبت است که خود را در دو عامل حق شهروندی و حق مشارکت نمایان می‌سازد. در ارتباط با عوامل تأثیرپذیر از عمل برنامه‌ریزی و طراحی، دو عامل اصلی تصرف فضایی و عدالت فضایی/ اجتماعی حائز اهمیت هستند. در واقع داشتن حق تصرف فضایی در دسترسی به فضا، داشتن حس تعلق و در نهایت معناداری نقش دارد. همچنین وجود عدالت، ضمن آن‌که منجر به مشمولیت می‌شود، بر خدمات‌دهی نیز تأثیر دارد.

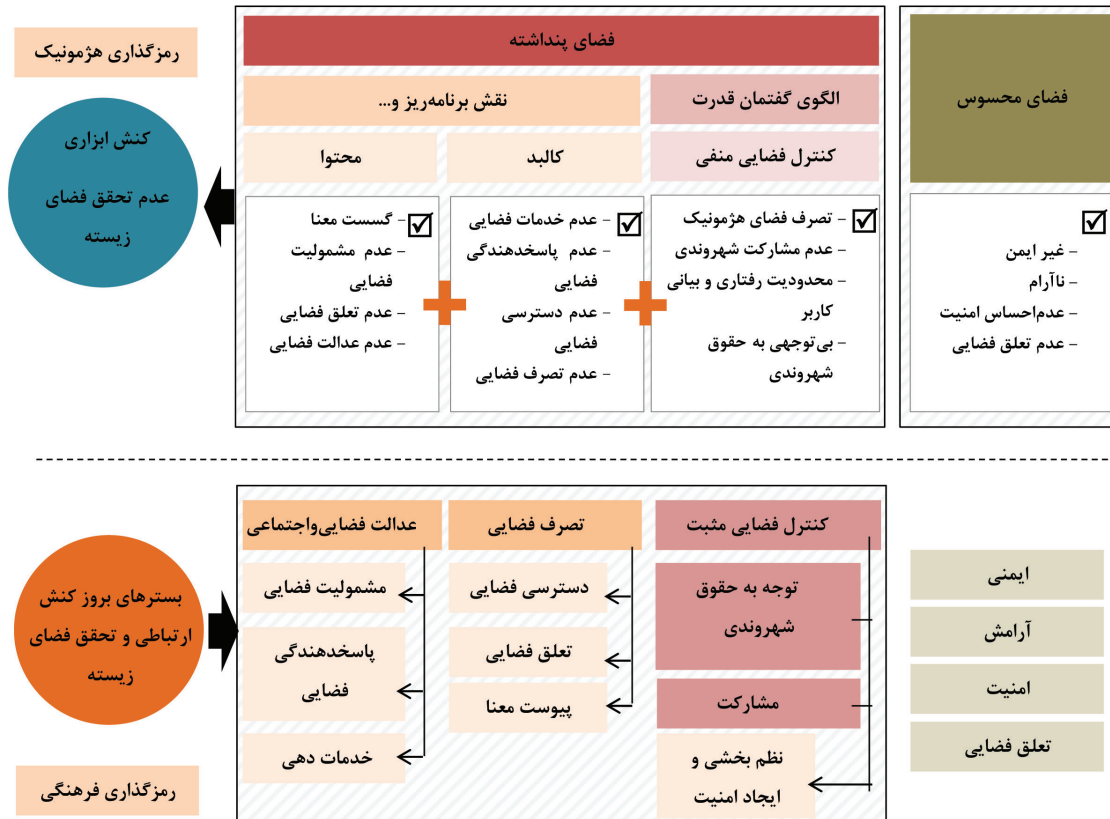
بررسی مصادیق مطرح شده در ارتباط با گفتمان قدرت نشان می‌دهد، عوامل متعددی حق تصرف فضایی را از کاربران گرفته و کنترل منفی را در فضا ایجاد می‌کند. در واقع از دید نگارندگان دو نوع کنترل فضایی وجود دارد: مثبت و منفی. کنترل فضایی منفی، حق تصرف و حق شهروندی را زیر سؤال می‌برد و در مقابل کنترل فضایی مثبت، بیشتر بستری برای ایجاد امنیت و نظم‌بخشی است. تکرار مصادیق، نشان می‌دهد حضور پلیس و نیروی انتظامی و سایر عناصر امنیتی، برای نیمی از پاسخ‌دهندگان، فضایی

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در واقع تصمیم برنامه‌ریز و طراح شهری در فضاها، در قالب کدگذاری در فضا نمود می‌یابد و فضای شهری مطلوب استفاده‌کنندگان، فضایی است که ضمن ادراک‌پذیری «معناداری»، بستر بروز رفتارهای اجتماعی «و بعضاً مدنی «کنش‌پذیری»» باشد. در این نوشتار مشخص شد چنانچه الگوی رمزگذاری طراح و برنامه‌ریز در ارتباطات با دایره معنایی و الگوی ارتباطی کاربران نباشد و متأثر از الگوی کنترل فضایی منفی و گفتمان قدرت باشد، کنش مؤثر در فضا کاهش می‌یابد. بنابراین نتیجه این پژوهش برای شهرسازان روشن می‌سازد که فضای بازنمودی از اهمیت منحصربه‌فردی برخوردار است و در جریان خلق این فضای معنادار باید از چه مواردی اجتناب و بر چه عواملی تأکید شود. در ادامه این عوامل در قالب عوامل کالبدی و محتوایی ارائه می‌شوند.

مدل نهایی پژوهش که منتج از یافته‌ها و تفسیر داده‌ها است، نشان می‌دهد که چه عواملی (اصلی و فرعی) منجر به رمزگذاری هژمونیک، حضور اجباری و کنش‌آزایی می‌شوند؛ و چه عواملی، منجر به خلق فضای زیسته و ایجاد بستری مطلوب برای کنش ارتباطی می‌شود. در گام اول با توجه به نتایج به‌دست آمده در نمونه‌موردی، عوامل تأثیرگذار بر عدم ایجاد فضای زیسته از خلال ابع

شکل ۲: عوامل مؤثر بر بروز انواع کنش



پی‌نوشت

1. Action
2. Action Theory

۳. گتدینر و لاگوپولس (Mark Gottdiener/Alexandros Ph Lagopoulos) در کتاب شهر و نشانه: درآمدی بر نشانه‌شناسی شهری که در سال ۱۹۸۶ در نیویورک توسط انتشارات دانشگاه کلمبیا به چاپ رسید، به این موضوع پرداخته‌اند.

۴. رایمون گلد، چهار درجه از مشارکت را پیشنهاد کرده است: مشاهده‌گر صرف، مشاهده‌گر با مشارکت، شرکت‌کننده به‌عنوان مشاهده‌گر و مشارکت کامل (Delvar, 2010, pp. 321-322).

۵. لازم به‌ذکر است که در طرح اخیر پیشنهادی میدان مقرر شده است تا فضای میدان سراسر پیاده شود.

REFERENCES

- Afroogh, E. (1998). Space and Social Inequality. Tarbiat Modares University Press, Tehran, Iran.
- Ansari, M. (1997). The Public Sphere in Political Thought of Hannah Arendt. *Political-Economic Journal*, 117-118, 124-128. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=140504>
- Arendt, H. (2006). Special Issue: Hannah Arendt. *Bukhara Journal*, 85.
- Arendt, H. (2016). The Human Condition. (M. Olia, Trans.). Qoqnoos Publishing Group, Tehran, Iran.
- Bandar Abad, A.R., Moradi Masihi, V., Kavash Nia, H., & Aali, H. (2015). Study on the Concept of Urban Public Areas and the Frankfurt School of Critical Theory in Review. *Internatinoal Journal Urban & Rural Management*, 39, 263-290. <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-465-fa.html>
- Daliri, K. (2011). The Sructural Factors of Social Action; The Mechanism Review of Society's Effect on Individual in Role Theory. *Journal of Historical Sociology*, 3(1), 153-176. <https://jhs.modares.ac.ir/article-25-9643-fa.html>
- Daneshgarmoghaddam, G., Bahraini, S.H., & Einifar, A.R. (2012). Socialization Analysis of Physical Environment Affected by Natural Perception in the Human Environment. *HONAR-HA-YE -ZIBA Journal-Architecture and Urban Planning*, 45, 25-36. https://jfaup.ut.ac.ir/article_24682.html
- Daneshpour, S.A., & Charkhchyan, M. (2007). Public Spaces and Factors Affecting Collective Life. *BAGH NAZAR Journal*, 7, 19-28. http://www.bagh-sj.com/article_64.html
- Delavare, A. (2010). Qualitative Methodology. *Rahbord Journal*, 54, 301-329. <http://rahbord.csr.ir/Article/139409171442325000604>
- Elden, S. (2007). There is a Politics of Space Because Space is Political. *Radical Philosophy Review*, 10(2), 101-116. <https://progressivegeographies.files.wordpress.com/2012/08/there-is-a-politics-of-space.pdf>
- Forgas, J.P. (2000). Interpersonal Behaviour: The Psychology of Social Interaction. (K. Beigi, & M. Firoozbakht, Trans.). Abjad Publication, Tehran, Iran.
- Karimi, S., & Nasr, A.R. (2013). Interview Data Analysis Methods. *Pazhuhesh Journal*, 4(1), 71-94. <http://pajohesh.nashriyat.ir/node/105>
- Lang, J. (2002). Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design. (A. R. Eynifar, Trans.). 1st Edition. Tehran University Press, Tehran, Iran.
- Lefebvre, H. (1991). The Production of Space. Blackwell, Oxford, United Kingdom.
- Lefebvre, H. (2009). State, Space, World, Selected Essays. Edited by Neil Brenner and Stuart Elden. (G. Moore, N. Brenner, & S. Elden, Trans.). Minneapolis. University of Minnesota Press, Minnesota, United States. <https://thecharnelhouse.org/wp-content/uploads/2017/08/Henri-Lefebvre-State-Space-World-Selected-Essays.pdf>
- Lynch, K. (2002). A Theory of Good City Form. (H. Bahraini, Trans.). Tehran University Press, Tehran, Iran.
- Madanipour, A. (2000). Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process. (F. Mortazei, Trans.). Sherkat-e Pardazesh va Barnameirizi-e Shahri, Tehran, Iran.
- Mahdavi, M.S., & Mobaraki, M. (2006). Analysis of Habermas's Theory of Communication Action. *Journal of Social Science*, 8, 1-21. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=213305>
- Mohammadi, M., & Ayatollahi, M.H. (2015). Factors Affecting the Promotion of the Socialization of Cultural Buildings, Case Study: Farshchian Cultural Center of Isfahan. *Journal of Architeture & Urban Planning*, 15, 96-79. http://aup.journal.art.ac.ir/pdf_12_0.html
- Navabakhsh, M., & Karimi, F. (2013). Exploring the Concept of Power in Michel Foucault's Theories. *Journal of Political Studies*, 49-63. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=110384>
- Nowzari, H.A. (2002). Re-reading Habermas. Nashr-e Cheshmeh, Tehran, Iran.
- Pishavar, A. (1997). Political Sociology. Islamic Azad University Press, Ahvaz, Iran.
- Pooladi, K. (2009). A History of Political Thought in the West. Nashr-e Markaz, Tehran, Iran.
- Ranjbar, H., Haghdoost, A.k., Salsali, M., Khoshdel, A., Soleimani, M., & Bahrami, N. (2012). Sampling in Qualitative Research: A Guide to for beginning. *Journal of Army University of Medical Sciences*, 10(3), 238-250. http://eprints.ajaums.ac.ir/1408/1/JAUMS_No_39_10.pdf
- Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., & Shokouhi Yekta, M. (2015). Phenomenological Analysis of the Perception and Experience of Elementary School Teachers' Lives of the Weaknesses and Strengths of the Appraisal-Descriptive Program. *Journal of Research in Educational Systems*, 9(31), 19-68. http://www.jiera.ir/article_49442.html
- Shayan Mehr, A. (2015). Hannah Arendt. Nashr-e Akhtar, Tehran, Iran.
- Sohrabi, I., & Skafi, M. (2015). The Habermas Comparative Theory. *Journal of Ma'rifat-i Farhnagi Ejtemaii*, 6(2), 63-78. <http://marefatefarhangi.nashriyat.ir/node/219>
- Sojoodi, F. (2008). Applied Semiotics. 2nd Edition. Elm Publication, Tehran, Iran.
- Sojoodi, F. (2009). Intercultural Communication: Translation and its Role in the Inclusion/Exclusion Processes. In *Semiotics: Theory and Practice*. 1st Edition. Elm Press, Tehran, Iran.

- Tohidfam, M., & Hosseinian Amiri, M. (2009). Integration of Action and Structure in the thoughts of Giddens, Bourdieu and Habermas and its Effect on the New Sociology. *Scientific Journal Management System*, 4 (3), 79-107. http://www.ipsajournal.ir/article_95.html
- Turkameh, A. (2014). A Critique of Henri Lefebvre's The Production of Space. A Critique of Political Economy. <https://pecritique.com/>
- Zieleniec, A. (2007). Space and Social Theory. SAGE Publications, California, United States.

نحوه ارجاع به این مقاله

محمدی، مریم و بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۹). تأثیرگذاری الگوی رمزگذاری غیرهژمونیک بر ارتقاء کنش‌پذیری و خلق فضاهای بازنمودی، مورد مطالعاتی: میدان بهارستان در شهر تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳(۳۲)، ۲۶۹-۲۸۱.

DOI: 10.22034/AAUD.2019.151088.1695

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_120089.html



